



دماوند را دوباره و این بار با دقت تماشا کنیم

برای دماوند بی‌تکرار



شب‌ی که دل‌باخته دماوند شدم

زندگی

یکشنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۰ :: شماره ۵۹۷۸

۱۳ جام جم



حق با شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۷



●واردات_آب-معدنی

یك‌شهرزند:

چرا مسؤولان نسبت به واردات آب معدنی قاچاق از مرزهای جنوبی کشور نظارتی نمی‌کنند که علاوه بر قیمت گران آن، تولید داخل را نیز با مشکل مواجه کرده‌است؟



●نظارت-تورم

جدیدی از تهران:

از دولت تقاضا داریم در این مدت باقی‌مانده با نظارت بیشتر بر بازار مانع افزایش مجدد کالاها و اساسی از جمله مرغ، روغن، شکر و... شود. تورم این روزها افسارگسیخته شده‌است.



●بلیت-هواپیما

رحیم‌زاده از تهران:

با وجود شرایط کرونایی، شرکت‌های هواپیمایی همچنان به فروش میلیونی قیمت بلیت پرواز تهران - مشهد اقدام می‌کنند، چرا هیچ نظارتی در این باره وجود ندارد؟



●وام-سهام-عدالت

یك‌شهرزند:

چرا همه بانک‌ها اقدام به اعطای وام ۷ میلیون تومانی به دارندگان سهام عدالت و یارانه بگیران نمی‌کنند؟ مگر طبق دستور دولت نباید این وام به واجدان شرایط تعلق گیرد؟



●بازار-لوازم-خانگی

مظه‌ری از شیراز:

بازار لوازم خانگی به گونه‌ای است که نذر کنیم وسیله‌ای از بین نرود. این بازار نه تنها خیالی برای تثبیت ندارد بلکه همچنان در مدار صعودی افزایش قیمت است و هر روز هم قیمت این لوازم بیشتر می‌شود.

جوابیه

در پی درج پیامی در روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۵ با عنوان «مطالبات-مترو» مشاور مدیرعامل و مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه با ارسال نمایی اعلام کرد: تمام حقوق و مزایا در شرکت بهره‌برداری مترو بدون تاخیر در پایان هر ماه به حساب پرسنل محترم واریز می‌گردد. لازم به توضیح است اشکالی در محاسبه مزد پایه سنوات در سال ۹۵ صورت گرفته بود که در سال ۹۹ این موضوع شناسایی و احکام رکنان در سال ۱۴۰۰ اصلاح گردید. متعاقبا حقوق ایام اشاره شده محاسبه و اطلاع‌رسانی شده است و پس از تأمین منابع مالی پرداخت می‌گردد. پرداخت موارد حقوقی نظیر حق جذب، سختی کار و... در شرکت بهره‌برداری مترو براساس طرح طبقه بندی مشاغل که مورد تأیید اداره کار، رفاه و تأمین اجتماعی است، بررسی و اجرا می‌گردد.



کودکان کار و فراموشی

آیا با توجه به همسو بودن شورای شهر ششم با دولت سیزدهم می‌توان امیدوار بود که ساماندهی کودکان کار و خیابان سرعت بیشتری بگیرد؟

کودکان کار و خیابان به نوعی پرتین آسیب‌های اجتماعی هستند، آن‌قدر پیش چشم شهروندان قرار دارند که دیگر به معیاری برای سنجش وضعیت جامعه در زمینه آسیب‌های اجتماعی بدل شده‌اند. هر چه تعداد آنها بیشتر به چشم بیاید به این مفهوم است که جامعه بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارد و هر چه این حضور غم‌انگیز کمتر باشد شرایط در این خصوص مناسب‌تر می‌شود. این معیار برای مسؤولان آن‌قدر بدیهی بود که حتی آنها در برهه‌ای به شکلی ضربتی سعی در جمع‌آوری این کودکان داشتند، تصمیمی که در بهترین شکل تنها به پاک کردن صورت مساله می‌انجامید البته که آن طرح هم در همان گام اول ناکام ماند و به محاق رفت. حالا ما حضور کودکان کار در خیابان آن‌قدر شده که حتی حساسیت‌های گذشته را هم در پی ندارد و به شکلی این موضوع به اتفاقی معمولی در سطح شهر بدل شده‌است. هر بار هم که گروهی تازه به مدیریت شهری می‌رسند دوباره زرمزه حل این مساله مطرح می‌شود. سال‌هاست که «ساماندهی کودکان کار و خیابان» در فهرست مطول وعده‌های مدیران شهری قرار دارد و هر بار هم این وعده‌ها سرانجامی نمی‌یابد. یکی از موانع اساسی در حل این موضوع نبود تعامل نهادها یا یکدیگر عنوان می‌شده‌است، تعدد متولیان این امر از یکسو و همسو نبودن دولت و مدیریت شهری از سوی دیگر به عنوان موانع حل این چالش بوده‌است، هر چند همسویی دولت دوازدهم با مدیریت شهری تهران هم نتوانست گره این چالش را حل کند، حالا ما با تغییر دولت و البته روی کار آمدن شورای شهری همسو با دولت سیزدهم بسیاری امید دارند که بتوان گره برخی از آسیب‌های اجتماعی شهری را باز کرد. هر چند کارشناسانی هم هستند که باور دارند معضل کودکان کار و خیابان چندان به همسویی دولت و مدیریت شهری ارتباطی ندارد و مشکل ناتوانی حل چنین معضلی در جای دیگر است.



میثم اسماعیلی

جامعه

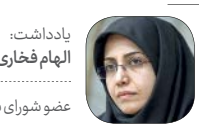
آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار...

چرا باید دلخوش به این باشیم که همسویی دولت و مدیریت شهری در حل یا مدیریت موضوع کودکان کار در خیابان می‌تواند موثر باشد؟ در موضوع ساماندهی کودکان کار در خیابان از سال‌های گذشته برای حدود ۱۳ نهاد وظایفی در نظر گرفته شده بود! مصوبه اخیر هیات دولت هم سازمان‌های دیگری را به این مجموعه اضافه کرده‌است. در پیشانی آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از اطفال و کودکان که توسط هیات وزیران در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۴۰۰ به تصویب رسیده می‌توان نام هشت وزارتخانه کار و رفاه اجتماعی، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، ورزش و جوانان، امور خارجه، ارتباطات و فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت کشور را دید. در کنار آنها نام شش سازمان و معاونت هم به چشم می‌خورد، از سازمان بهزیستی، برنامه و بودجه، زندان‌ها و صدا سیما بگیرد تا معاونت علمی و معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری. این نهادها و سازمان‌ها به عنوان متولیان اصلی شناخته می‌شوند و گرنه در متن این قانون می‌توان به وظایفی برخورد که قانونگذار برای نهادهایی همچون سازمان ثبت احوال یا بیمه سلامت هم تعیین کرده‌است. با این حجم از متولی برای یک موضوع حتماً که باید نگران موازی کاری آنها باشیم و حتماً که یکسو بودن روند فعالیت‌های این سازمان‌ها می‌تواند به روی ریل افتادن قطار ساماندهی کودکان کار و خیابان کمک کند.

همسویی کافی نیست

تجربه زیسته نظام اداری در کشور نشان می‌دهد هر چه همسویی بین دستگاه‌های مرتبط با یک موضوع از جمله کودکان کار در خیابان بیشتر باشد، احتمال افزایش همکاری با استفاده از ظرفیت‌های متقابل بیشتر می‌شود. حسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران اما معتقد است در این میان فقط همسویی کافی نیست. او به جام جم می‌گوید: «این‌که این موضوع اولویت این مجموعه‌ها باشد مهم‌تر از همسویی بین آنهاست. به این مفهوم که فراتر از همسویی، داشتن اولویت مشترک این نهادها در این موضوع موثر است.» منظور او از همسویی معطوف به نهادهای متولی و اصلی در این موضوع است، نهادهایی مثل سازمان بهزیستی، شهرداری و شورای شهر و البته مجموعه دولت. به باور رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران دولت و مدیریت شهری اگر در برنامه‌های طولانی چهار یا پنج ساله خود موضوع کودکان کار و خیابان را در اولویت قرار بدهند شاید بتوان امید داشت این مشکل روی ریل ساماندهی بیفتد. اما آن‌طور که از حرف‌های موسوی چلک می‌توان متوجه شد تأثیر نهادی همچون شورای شهر در این میان آن‌قدر نیست که حالا به همسویی پارلمان شهری و دولت دلخوش باشیم. او ادامه می‌دهد: «شورای شهر نهادی تصمیم‌گیر است نه مجری، اما اگر این نهاد موضوع کودکان کار و خیابان را به عنوان یک اولویت مطرح کند، لذا این موضوع هم در ساختار مدیریت شهری مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد هم در بودجه‌بندی و هم در مطالبه‌گری از شهرداری.» مهم‌ترین تأثیر پارلمان شهری در این موضوع به باور چلک مطالبه‌گری از شهرداری بابت توجه به این موضوع است. او معتقد است: «موضوع تنها مربوط به ساختار و بودجه نیست و همین مطالبه‌گری از شهرداری می‌تواند به عنوان پیشران حل این معضل باشد.»

اما پیش از روی کار آمدن دولت سیزدهم و شورای شهر ششم هم تجربه بهیچ‌شک می‌توان امید داشت این مشکل روی ریل پنج‌به نوعی از ترکیب یکدستی برخوردار بودند و این موضوع آنقدر آشکار بود که حتی پیروز حناچی شهردار تهران قول حل این معضل را با توجه به این همسویی داده بود؛ ولی این وعده هیچ‌گاه محقق نشد. این همان نکته‌ای است که رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران هم به آن اشاره می‌کند. موسوی چلک می‌گوید: «ناباید همه راهکارها را در این موضوع محدود به نبود تعامل احتمالی مدیریت شهری و دولت بدانیم. همین امروز هم شهرداری تهران در این موضوع قدم‌های موثری برداشته است اما بسیاری دیگر از نهادها در این راه مدیریت شهری را تنها گذاشتند. باید به نقش الزام حضور این نهادها هم دقت کنیم. نهادهایی همچون بیمه سلامت یا سازمان تأمین اجتماعی هم وظایفی دارند که گاه در اجرای آن کوتاهی می‌کنند.»



یادداشت:

الهام فخاری

عضو شورای شهر تهران

کار کودک نه کودک کار

خاستگاه کار کودک در هر حال کم‌توانی خانواده و سرپرستان است. به سخن دیگر فقر، ریشه بهره‌کشی از کودکان به شمار می‌رود. با این همه کار کودک در گذشته با وضعیت کنونی تفاوت‌هایی دارد. در گذشته کار کودک در بستر خانواده و خویشاوندی و نوعی کارآموزی بوده در حالی که امروزه کار کودک در بافت و بستری پراسیب رخ می‌دهد. در زمینه‌هایی که کار کودک در بافت خاصی رخ دهد، می‌توان متولی مشخصی را به پرسش گرفت؛ ولی وقتی در زمینه‌های گسترده‌ای کار کودک وجود دارد، پیگیری و مبارزه امری بین نهادی می‌شود.

نکته مهم این است که مساله ما «کودک کار» نیست مساله «کار کودک» است و واحد مداخله هم باید خانواده باشد نه صرفاً خود کودک؛ به این مفهوم که جمع‌آوری کودکان کار و خیابان راه حل مساله نیست، در این خصوص ما با سه مساله اصلی در زمینه قوانین روبه‌رو هستیم: اول مساله قوانین ولایت و حضانت، دوم ضرورت تبصره‌نویسی و سوم اجرای نادرست و نابسامان قوانین و مقررات. وقتی به مساله‌ها نگاه کنیم می‌بینیم همکاری میان دستگاه‌ها به ویژه دولت و مدیریت شهری نقشی مهم در آسیب‌شناسی، پیشگیری و مداخله به هنگام در موضوع کار کودک دارد. مساله‌های اجتماعی، دغدغه و کار یک دستگاه یا یک بخش نیستند. امروز رقابت یا رویارویی مدیریت شهری و دولت کمتر موضوعیت دارد و در این میان همکاری‌های مثبتی صورت گرفته است. مراکز پرتو به عنوان مدرسه‌های توانمندسازی کودکان کار و سرپرستان‌شان توسط مدیریت شهری افزایش یافته‌اند و فرآیند جذب کودکان و خانواده‌ها توسط دستگاه‌های دولتی انجام می‌شود و رویکرد برخورد‌های ضربتی کمتر به کار برده شده‌است. بخش کوچکی از کودکان کار و خیابان متأثر از سبک فرهنگی زندگی والدین‌شان در این شرایط قرار نگرفته‌اند. برخی پژوهش‌های پراکنده توسط سازمان‌های مردم‌نهاد گویای این است بیش از یک سوم این کودکان تابعیت ایرانی دارند و بقیه مهاجران کشورهای همسایه و نزدیک یک سوم‌شان فاقد اوراق هویتی هستند. گرچه آنها بیشتر در قالب دستفروشی یا کنار چهارراه‌ها به چشم می‌آیند، ولی ما با کار کودک در کارگاه‌های دور از دید و نظارت مردم هم سروکار داریم. مدیریت شهری با تأمین آموزش و وعده‌های غذایی و از طریق همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد تکلیف قانونی خود در زمینه تأمین فرصت آموزش را انجام داده‌است.

با این همه کلیت نظام‌های حاکمیتی برای ریشه‌کنی کار کودک باید به ریشه آن یعنی فقر پردازد تا بتوان به کاهش کار کودکان و مصداق‌های کودک کار و خیابان امید بست.